



## The Requirements for the Realization of the Human Development Model in Iran's Judicial System

**Emran Taghavi Hematabadi<sup>1</sup>, Hasan Hajitabar Firoozjai<sup>\*2</sup>, Seyed Reza Hassanpour<sup>3</sup>**

1. PhD Student in Criminal Law and Criminology, Department of Law, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

2. Associate Professor, Department of Law, Faculty of Humanity, Qaemshahr Branch, Islamic Azad University, Qaemshahr, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, University of Shahed, Tehran, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

#### Type of Article:

**Original Research**

**Pages: 187-200**

#### Corresponding Author's Info

**ORCID:** 0000-0003-2156-1344

**TELL:** +989112158173

**Email:** Hajitabar@yahoo.com

#### Article history:

**Received:** 31 Dec 2024

**Revised:** 17 Mar 2025

**Accepted:** 29 Apr 2025

**Published online:** 22 Jun 2025

#### Keywords:

*Human Development Model, Crime Prevention, Health, Well-Being, Life Expectancy, Poverty Law-Oriented Unemployment.*

### ABSTRACT

The human development model is one of the most fundamental approaches in the judicial system, the realization of which has a significant impact on the prevention of crime and the transformation of the judicial system. Therefore the purpose of this article is to examine the requirements for the realization of the human development model in Iran's judicial system. This article is descriptive and analytical and it has investigated the mentioned subject by using the library method. The findings indicate that the realization of social justice and the elimination of income inequality, the transparency of the economic situation, education, increase, the level of health, well-being and life expectancy, the elimination of poverty and unemployment and the strengthening of a law-oriented culture are among the requirements for the realization of the human development model in the judicial system. It is Iran. The definition of crime prevention as the duty of the judiciary does not have an important effect on the realization of the institutions. Of course, among the solutions that the judiciary can take as the main axis and responsible in crime prevention in order to achieve an active feature in providing public and judicial health in line with human development, is to actively interact with the governing bodies of related fields. with human development and the occurrence of crime to a minimum and based on the level of existing inequalities, think of criminal policies.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2025 The Authors.

**How to Cite This Article:** Taghavi Hematabadi, E; Hajitabar Firoozjai, H & Hassanpour, SR (2025). "The Requirements for the Realization of the Human Development Model in Iran's Judicial System". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 5(2): 187-200.



دوره پنجم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۴

## الزامات تحقق مدل توسعه انسانی در نظام قضایی ایران

عمران تقوی همت‌آبادی<sup>۱</sup>، حسن حاجی تبار فیروزجایی<sup>۲\*</sup>، سیدرضا احسان‌پور<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

۲. دانشیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم‌شهر، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

### چکیده

مدل توسعه انسانی یکی از اساسی‌ترین رویکردها در نظام قضایی است که تحقق آن تأثیر به‌سزایی در پیشگیری از جرم و تحول نظام قضایی دارد. بر همین اساس هدف مقاله حاضر، بررسی الزامات تحقق مدل توسعه انسانی در نظام قضایی ایران است. این مقاله توصیفی - تحلیلی است و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی موضوع مورد اشاره پرداخته است. یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که تحقق عدالت اجتماعی و رفع نابرابری درآمدی، شفاف‌بودن وضعیت اقتصادی، آموزش، افزایش سطح بهداشت، رفاه و امید به زندگی، رفع فقر و بیکاری و تقویت فرهنگ قانون‌محوری از الزامات تحقق مدل توسعه انسانی در نظام قضایی ایران است. تعریف پیشگیری از جرم به‌عنوان وظیفه قوه قضاییه تأثیر مهمی در تحقق توسعه مدل قضایی در ایران ندارد، زیرا توسعه انسانی دارای ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است که نیازمند یک رویکرد کلان و همکاری همه نهادهای دولتی و غیردولتی است، البته ازجمله راهکارهایی که قوه قضاییه می‌تواند به‌عنوان محور و مسؤول اصلی در پیشگیری از جرم درجهت حصول به ویژگی فعال در تأمین بهداشت عمومی و قضایی در راستای توسعه انسانی در پیش گیرد، آن است که از طریق تعامل فعال با نهادهای حاکمیتی زمینه‌های مرتبط با توسعه انسانی را افزایش و وقوع جرم را به حداقل رسانده و براساس میزان نابرابری‌های موجود، در اندیشه متناسب سازی سیاست‌های جنایی باشد.

### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۸۷-۲۰۰

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد اُرکید: ۱۳۴۴-۲۱۵۶-۰۰۰۳-۰۰۰۰

تلفن: ۹۸۹۱۱۲۱۵۸۱۷۳+

ایمیل: Hajitabar@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۱

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

مدل توسعه انسانی، پیشگیری از جرم، بهداشت، رفاه، امید به زندگی، فقر، بیکاری و قانون‌محوری.



## مقدمه

توسعه قضایی به عنوان مدلی از نظام قضایی که عمدتاً بر کیفرزدایی و قضا‌دایی استوار است، آن گونه که باید نتوانسته است در کاهش نرخ جرم تأثیرگذار باشد. افزایش جرم و جنایت و حجم پرونده‌های کیفری در مراجع قضایی بیانگر ناکارآمدی مدل توسعه قضایی است. همین امر توجه‌ها را به سمت مدل توسعه انسانی معطوف ساخته است. ارتقای سطح توسعه انسانی به معنای ارتقای استانداردهای زندگی و رسیدن به سلامتی، دانش و آگاهی می‌تواند به هدف پیشگیری از جرایم علیه اموال خاصه سرعت کمک نماید، زیرا اکثر جرایم علیه اموال براساس مبانی نظری موجود به دلایل و انگیزه‌های مالی و اقتصادی واقع می‌شود. زمانی که افراد بتوانند استانداردهای زندگی خود را فزونی بخشند و براساس هرم مازلو در تلاش برای رفع نیازهای اولیه خود نباشند می‌توان گفت به هدف تعالی و رسیدن به اخلاقیات نزدیک می‌شوند بنابراین ارتکاب اعمال مجرمانه کاهش می‌یابد (آل عمران، ۱۳۹۴: ۱۴-۱). ناکارآمدی مدل توسعه قضایی از یک سو و تأثیر مدل توسعه انسانی در نظام قضایی از سوی دیگر بررسی الزامات تحقق مدل توسعه انسانی در نظام قضایی ایران را به ضرورت مبدل ساخته است. درخصوص نظام قضایی پژوهش‌های متعددی انجام شده است: سیدمحمد مهدی غمامی و امید عبدالهیان، در مقاله‌ای به بررسی تحول نظام قضایی با تأکید بر کارآمدی فرایند صدور آرای قضایی پرداخته‌اند (غمامی و عبدالهیان، ۱۳۹۸: ۵۴-۲۹). آیت‌اله اسماعیلی، محمدحسن شیبانی‌فر، سیدمحمد صدری و محمد صادق جمشیدی‌راد نیز در مقاله‌ای، تحول قضایی و راهبرد پیشگیری وضعی از فساد اقتصادی را مورد بررسی قرار داده‌اند (اسماعیلی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۴۸-۱۲۳). همچنین امین‌اله سالاری، احمد رنجبر و مصطفی سراجی، در مقاله‌ای، جایگاه دادرسی شبه قضایی در قانون اساسی و سند تحول قضایی را بررسی کرده‌اند (سالاری و همکاران، ۱۴۰۱: ۸۶۶-۸۳۶). تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به پژوهش‌های انجام شده این است که هدف این مقاله بررسی الزامات تحقق مدل توسعه انسانی در نظام قضایی ایران است. براساس آن چه گفته شد، سؤال مقاله بدین شکل

قابل طرح است که الزامات تحقق مدل توسعه انسانی در نظام قضایی ایران کدام است؟ به منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا رابطه توسعه انسانی و جرم بررسی شده و در ادامه از الزامات تحقق مدل توسعه انسانی در نظام قضایی ایران بحث شده است.

## ۱- رابطه توسعه انسانی و جرم

بر پایه تعریف برنامه توسعه ملل متحد، توسعه انسانی به معنای «گسترش فرایند گزینش افراد است. مفهوم توسعه انسانی گویای آن است که هدف اصلی توسعه، بهره‌مندساختن راستین انسان یا بهبودبخشیدن به کیفیت زندگی انسان‌هاست. بر این اساس توسعه انسانی انسان را در کانون الگوهای توسعه می‌نهد نه در کنار آن» (فطرس و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۳-۱۱۰).

«توسعه فرایند گسترش بهره‌مندی مردم از آزادی‌های واقعی است که توسعه فقط در پی حل محرومیت‌های اقتصادی نیست. توسعه در پی حل طیفی از نآزادی‌ها و قید و بندهایی است که بر کیفیت و کمیت زندگی تأثیرگذار است، اگرچه فقر مسبب اصلی نآزادی‌هاست، ولی آن با سایر مسائل اجتماعی دارای اهمیت برابر در محدودکردن آزادی افراد فقیر دخیل است» (United Nations, 2005: 101). «در این میان اداره جرم و مواد مخدر سازمان ملل با همکاری سایر نهادهای بین‌المللی، ازجمله بانک جهانی با انتشار اسناد و گزارش‌هایی به موضوع جرم و توسعه در برخی مناطق جهان که از میزان جرم بالایی برخوردار بوده‌اند، پرداخته است، به گونه‌ای که در سال ۲۰۰۵ به موضوع جرم و توسعه در آفریقا در سال ۲۰۰۷ ارتباط جرم و توسعه در آمریکای مرکزی و در سال ۲۰۰۸ نیز گزارشی از تأثیر جرم بر منطقه بالکان اروپای جنوب شرقی را منتشر نموده است» (فطرس و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۳-۱۱۰). همچنین برنامه توسعه ملل متحد، گزارش توسعه جهانی سال ۲۰۱۱ را درباره امنیت و توسعه منتشر نموده است، بدین ترتیب از آنجا که مسأله ناامنی در میان متغیرهای مؤثر بر حیات جمعی انسان‌ها جزء متغیرهای تعیین‌کننده است و همه وجوه حیات جمعی انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، امروزه جهان، درحال درک وابستگی

شاخص توسعه انسانی توجه نمود؛ شاخصی که در آن میانگین نابرابری در هر سه جنبه مورد توجه در شاخص توسعه انسانی محاسبه می‌شود. بنابراین شاخص توسعه انسانی مجموع به عنوان شاخص توسعه انسانی بالقوه (ذهنی) و شاخص نابرابری توسعه انسانی به‌عنوان شاخص توسعه انسانی بالفعل (عینی) دانست.

## ۲- الزامات تحقق توسعه مدل انسانی

الزامات تحقق توسعه انسانی در نظام قضایی ایران عبارت است از:

### ۲-۱- تحقق عدالت اجتماعی و رفع نابرابری درآمدی

توسعه مدل انسانی بر مبنای سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی استوار است. یکی از زمینه‌های لازم برای ریشه دوانیدن اعتماد در جامعه، رفع نابرابری و تبعیض است. بعضی «مساوات اجتماعی را کلید اعتماد دانسته‌اند، زیرا وقتی در جامعه‌ای منابع به‌صورت ناعادلانه در بین گروه‌های مردم توزیع شود و این نابرابری در طول زمان استمرار پیدا کند، شکاف بین دو طبقه غنی و فقیر هر روز بیشتر می‌شود و طبیعی است که در این شرایط قوانین و ساختار سیاسی جامعه زیر سؤال رفته و نوعی بی‌اعتمادی اجتماعی در افراد تقویت می‌شود. بی‌اعتمادی به ساختارهای سیاسی جامعه، منجر به تضعیف تعهد اجتماعی و کم‌رنگ‌شدن هویت اجتماعی و ملی می‌شود. گذشته از آن، بی‌اعتمادی به تدریج به سطح روابط میان فردی کشیده می‌شود و حاصل این امر انزوای اجتماعی است» (قاسمی، ۱۳۸۴: ۳۱). برای ایجاد عدالت اجتماعی در جامعه باید از راهکارهایی همچون شایسته‌سالاری، ارتقای حقوق شهروندی و تمرکززدایی در جامعه استفاده کرد تا سطح اعتماد اجتماعی در جامعه بالا برود.

تبعیض اقتصادی هم از عوامل مهم بی‌اعتمادی مردم به جامعه است و با رفع این تبعیض می‌توان از بروز انواع جرایم اخلاقی، مادی و معنوی پیشگیری کرد، زیرا زمانی که تبعیض در جامعه رسوخ کند، مردم نسبت به ارزش‌های دینی اخلاقی و حقوقی بی‌اعتماد می‌شوند و به ناهنجاری‌های گوناگونی دست می‌زنند.

متقابل امنیت و توسعه بوده و اعتقاد بر آن است که امنیت جهانی نیازمند توسعه جهانی است و توسعه هم نیازمند امنیت است.

شواهد آماری منتشرشده در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که در کشورهای توسعه‌یافته مانند آمریکا، آلمان، ژاپن و سوئد، شاخص‌های توسعه انسانی بالا و شاخص‌های فساد بسیار پایین است، اما در کشورهای فقیر مانند چاد نیجریه و عراق شاخص‌های توسعه انسانی در وضعیت بد و نامطلوب قرار داشته و شاخص‌های فساد ارقام بالایی را نشان می‌دهند (محمد نسل، ۱۳۹۱: ۱۸)، لذا براساس مطالعات انجام‌شده و شواهد تجربی می‌توان همبستگی میان مقدار شاخص‌های فساد و حکمرانی با مقدار شاخص توسعه انسانی را استنباط نمود. به عبارت دیگر وجود فساد بالا یا حکمرانی نادرست در یک ناحیه یا جامعه، به یقین تخصیص نادرست منابع را به دنبال داشته و فرصت‌های رانتی را ایجاد می‌نماید. ازاین‌رو توزیع درآمد نامناسب انجام شده و فقر گسترش خواهد یافت (عزیزخانی و پوست‌فروش، ۱۳۸۷: ۲۲۱-۱۲۴). در مقابل اگر در جامعه‌ای شاخص‌های حکمرانی خوب باشد، بی‌تردید بر تخصیص منابع نظارت دقیقی اعمال خواهد شد و فرصت‌های رانتی کمتر می‌شود، البته نبود فساد یا فقر دلیل بر نبودن دیگری نیست، بلکه از نظر شاخص‌ها کم‌بودن یکی از این دو پدیده کم‌بودن دیگری را نیز به‌همراه دارد.

لذا با توجه به هدف توسعه انسانی - بهبودبخشیدن به کیفیت زندگی از طریق گسترش فرایند گزینش افراد - می‌توان از آن به‌عنوان تدبیری کنشی در چهارچوب پیشگیری جامعه‌مدار یاد نمود. بزهکار در اغلب مواقع در اثر محدودیت‌هایی که در انتخاب‌های خود می‌بیند و براساس اصل انتخاب عقلانی و برآورد هزینه - سود، به انتخاب جنایی متمایل می‌شود. به‌طور مثال، شخصی که از سطح استاندارد زندگی با محوریت درآمد در سطح مطلوبی برخوردار نیست، احتمال گرایش او به انتخاب‌های نامشروع بیشتر است. باید به این نکته نیز توجه نمود که شاخص مجموع توسعه انسانی، همواره به‌معنای مطلوب‌بودن وضع تمام اعضای جامعه نیست، بلکه در این زمینه باید به شاخص مهم‌تری به‌نام شاخص نابرابری در

تأثیر ناتوانی مالی - اقتصادی و در نتیجه بر بزهکاری افراد، نقش آفرین باشد.

## ۲-۲- آموزش

یکی از شاخص‌های سنجش توسعه انسانی، میزان دسترسی به امکانات آموزشی است. نتایج مطالعات نشان می‌دهد در شرایط یکسان اقتصادی، افراد تحصیل کرده تمایل کمتری به ارتکاب جرم دارند. از طرفی یافته‌های مرتبط با پیشگیری رشدمدار (گونه‌ای از پیشگیری اجتماعی) نیز تأثیر آموزش و پرورش را بر پیشگیری از جرایم تأیید می‌کند (محمدی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۵۴-۲۳۳). برنامه‌های مبتنی بر حمایت از رشد شناختی کودکان و مهارت‌های اجتماعی و بهبود محیط مدرسه، افزایش تجربیات مثبت کودکان در مدرسه، افزایش اعتماد به نفس و افزایش شرکت در فعالیت‌های مدرسه، می‌توانند نتایج مفیدی در راستای دستیابی به هدف پیشگیری از وقوع جرایم در آینده به دنبال داشته باشد. آموزش در هر جامعه‌ای از مهم‌ترین عوامل رشد و ترقی در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی محسوب می‌شود. مسلم است ارتقای سطح آموزش موجب ارتقای سطح فرهنگی جامعه و نتیجتاً موجب کاهش وقوع جرم و فعالیت‌های مجرمانه می‌گردد. از طرفی دیگر مسلماً در یک جامعه استاندارد افزایش سطح آموزشی، سطح درآمد فرد را بالا می‌برد که این افزایش سطح درآمد می‌تواند دلیلی برای کاهش وقوع جرم در جامعه باشد.

از شاخص‌هایی که مورد تأیید سازمان ملل متحد قرار دارد گسترش امکانات آموزشی و دسترسی سهل و رایگان تمامی افراد به امکانات آموزشی است. افزایش باسوادی تنها شرط لازم برای ارتقای فرهنگی و علمی است، اما شرط کافی آن است که نظام آموزشی این کشورها به سطح بالاترین نظام‌های آموزشی در جهان ارتقا یابند.

طی دهه ۱۹۹۰ مرحله جدیدی در توسعه اقتصاد جهانی به نام «اقتصاد دانش» که مبتنی بر معرفت و دانش‌محور بود، شناسایی شد. این شناسایی ریشه در این واقعیت دارد که به نظر می‌رسد کشورهای که سرمایه‌گذاری فعالانه‌ای در آفرینش و اقتباس دانش از طریق سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های

با ایجاد عدالت اقتصادی و ظهور فرهنگی که در آن حداقل نیازهای همگان تأمین است، عناصر مقوم توسعه همچون رفاه و اعتماد بین اشخاص به وجود خواهد آمد. استدلال بر این مدعا چنین است که با افزایش رفاه و اعتماد، مبانی و علل کمتری برای وقوع جرایم خدعه و فریبکاری باقی می‌ماند. در شرایط فقر شدید (زاهدی، ۱۳۹۳: ۷۸)، اعتماد کمتری وجود دارد و مطالعات تجربی و آماری حاکی از این است که در جوامع غنی‌تر اعتماد بیشتر است.

«در تحقیقی دیگر که در سال ۲۰۰۸ ارتباط بین نابرابری درآمدی و جرم را در ایالات متحده آمریکا بررسی نموده نشان داده شد که اثرات نابرابری درآمد بر روی سرقت به عنف، قوی و به لحاظ آماری معنادار است» (مهرگان و گرشاسبی فخر، ۱۳۹۰: ۱۲۶-۱۰۹)، بدین ترتیب و با تبیین وجود رابطه منفی بین توزیع عادلانه درآمد (چلبی و مبارکی، ۱۳۸۴: ۳-۴۴)، توسعه اقتصادی، برابری درآمدی را به همراه آورده و از این طریق بر کاهش جرم و جنایت تأثیرگذار است.

در ایران نیز مشاهد می‌شود که «براساس نتایج یک تحقیق در مورد رابطه عوامل اقتصادی جرایم سرقت و قتل در ۲۶ استان کشور، متغیرهای بیکاری، فقر نسبی، نابرابری درآمدی و صنعتی شدن، از جمله متغیرهای مهم و تأثیرگذار بر سرقت و قتل در ایران برآورد شده است» (صادقی و همکاران، ۱۳۸۴: ۹۰-۶۳). «همچنین طبق نتایج یک بررسی دیگر، مشخص شده است که بین توزیع درآمد و نرخ سرقت، رابطه معناداری وجود دارد، به این ترتیب که با افزایش نابرابری درآمد، نرخ سرقت، یعنی تعداد سرقت اتفاق افتاده در هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت افزایش می‌یابد» (مهرگان و گرشاسبی فخر، ۱۳۹۰: ۱۲۶-۱۰۹). پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه از عناصر توسعه انسانی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی مورد تأکید قرار گرفته و مطابق بند ۱۲ اصل سوم ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و وظیفه راهبردی دولت پیش‌بینی شده است. بدیهی است این تکلیف دولت در زمینه فقرزدایی و عدالت اجتماعی و بنیان‌گذاری رفاه اقتصادی می‌تواند در کاهش

### ۲-۳- شفاف‌بودن فضای اقتصادی

شفافیت یکی از عناصر و شاخص‌های توسعه انسانی است. در هر کشوری که چرخه تبادل اطلاعات به‌طور شفاف و روشن باشد، می‌توان گفت با کشوری توسعه‌یافته روبه‌رو هستیم. شفافیت موجب آزادی در بیان عقاید، اطلاعات و دیدگاه‌ها می‌شود که با نگرشی آمارتپاسنی نیل به آزادی بیان و آزادی ابراز عقیده از شاخص‌های توسعه اقتصادی و انسانی می‌باشد. شفاف‌بودن فضای اقتصادی موجب گسترش فساد و بالتبع وقوع جرم و اعمال مجرمانه می‌گردد، زیرا عدم وجود شفافیت موجب عدم نظارت می‌گردد و راه را برای افراد ناقض قوانین هموار می‌سازد.

شفافیت در فضای اقتصادی یکی از شاخص‌های سنجش توسعه انسانی می‌باشد. شفافیت به‌معنی جریان آزاد و قابلیت دسترسی آسان به اطلاعات برای تمام ذی‌نفعان است. شفافیت گردش همه‌جانبه اطلاعات تا مرز امنیت ملی است. سازمان شفافیت بین‌الملل و کنوانسیون مبارزه با فساد شفافیت را به عنوان یکی از ابزارهای مهم پیشگیری و مبارزه با فساد مورد تأکید قرار داده‌اند و از کشورها می‌خواهند که شفافیت عمومی را تضمین کنند. یکی از مهم‌ترین اثرات شفافیت، پیشگیری از فساد است و آزادی اطلاعات نیز یکی از ابزارهای کلیدی در این زمینه محسوب می‌شود. «فساد باعث کاهش سرمایه گذاری و در نتیجه کاهش رشد اقتصادی خواهد شد. فساد مالی می‌تواند فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و اقتصادی را از شکل مولد آن به‌سوی رانت و فعالیت‌های زیرزمینی سوق دهد و سازمان‌های مافیایی را پرورش دهد. درواقع رابطه مفاهیم رشد و توسعه اقتصادی و پیشگیری از جرایم مالی دوسویه و متقابل است» (تاجی و بولاغ، ۱۳۹۹: ۵۹).

در حیطه قوانین توسعه‌ای کشور در راستای شفافیت قوانین متعددی وضع گردیده که ازجمله آن در ماده ۲۹ قانون برنامه ششم توسعه کشور مقرر گردیده، تمامی شرکت‌های دولتی و دستگاه‌های اجرایی مکلفند پرداختی خود را به مدیران و کارکنان اعضای هیأت مدیره منتشر نمایند و این موضوع باید در سامانه مربوطه ثبت شود، اما متأسفانه این ماده مهم تاکنون اجرایی نشده است.

تحقیق و توسعه و همچنین نشر آن از طریق سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش و فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی دارند، بیش از سایر جوامع می‌توانند مسائل و مشکلات خود را حل و فصل کنند، به‌علاوه امروزه این اعتقاد پذیرفته‌شده‌ای است که حتی کشورهای فقیر که منابع کافی برای سرمایه‌گذاری در جهت خلق دانش ندارند، می‌توانند با جذب سریع پیشرفت‌های جهانی علم و انطباق آن با نیازمندی‌های توسعه‌ای خود چهار نعل به‌سوی رشد اقتصادی بتازند. یک جامعه تحصیل‌کرده و دارای قدرت انطباق، محور اساسی تحقق این امر است (فطرس و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۳-۱۱۰).

به‌عنوان مثال، «تأثیر منفی نرخ باسوادی بر میزان سرقت را می‌توان به این شکل ترسیم نمود که با افزایش نرخ باسوادی و آگاهی مردم و درک آن‌ها از اثرهای منفی جرم و سرقت میزان ارتکاب به جرم کاهش می‌یابد، مخصوصاً اگر این آگاهی علمی با آگاهی فرهنگی و اخلاقی همراه باشد قطعاً میزان ارتکاب جرم و سرقت کاهش می‌یابد. همچنین از آنجا که معمولاً با افزایش سطح سواد درآمد افراد نیز افزایش می‌یابد بنابراین تمایل افراد به ارتکاب سرقت کاهش می‌یابد» (جلالی فراهانی، ۱۳۹۰: ۱۱).

از این رو نقش آموزش و پرورش مطلوب پررنگ می‌گردد. «در رابطه با ارتکاب جرم می‌توان گفت یکی از عوامل بسیار عمده در عدم تطابق فرد با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه عدم آشنایی او با این ارزش‌ها و معیارها و به‌عبارت دیگر عدم جامعه‌پذیری صحیح و یا نقص در فرایند جامعه‌پذیری اوست. پس از خانواده، مدرسه نقش مؤثری در جامعه‌پذیری صحیح و مناسب افراد دارد، علاوه بر این فقر علمی و آموزشی موجب به‌وجودآمدن انحرافات اجتماعی هستند» (چلبی، ۱۳۸۹: ۱۲)، به‌گونه‌ای که هرچه سطح آموزش افراد در جامعه، بالا رود از میزان ارتکاب به جرم کاسته خواهد شد. از سوی دیگر در یک جامعه مطلوب و استاندارد می‌توان پیش‌بینی نمود که افزایش سطح علم و دانش افراد باعث به‌وجودآمدن فرصت‌های شغلی و درآمدی بهتری خواهد بود.

افزایش نرخ بیکاری و نابرابری درآمدی، موجب افزایش نرخ سرقت در ایران شده است (ابراهیمی و چاگپکرزهی، ۱۳۹۴: ۱۲۷-۱۱۳).

«از این رو در راستای نتایج فوق می‌توان پیشنهاد کرد که از آن جهت که وقوع جرم سرقت با اثرهای نامطلوب اقتصادی و اجتماعی نظیر اخلال در امنیت و آرامش مردم و اخلال در نظم و سایر موارد همراه است و هزینه‌های زیادی را به دولت برای مقابله با آن تحمیل می‌کند، بهتر است: ۱- سیاست‌گذاران اقتصادی و اجتماعی با اتخاذ سیاست‌های مناسب اقتصادی در جهت افزایش رشد اقتصادی و افزایش درآمد مردم و کاهش شکاف درآمدی و بهبود وضعیت رفاه اجتماعی و تصحیح الگوی توزیع درآمد در جهت کاهش نابرابری درآمدی قدم بردارند؛ ۲- مسئولان و سیاست‌گذاران توجه جدی به مقوله تورم و اتخاذ سیاست‌های مناسب در جهت تثبیت اقتصادی و جلوگیری از نرخ‌های فزاینده و شتابان تورمی داشته باشند» (جلالی، ۱۳۸۵: ۷۸). یکی از مهم‌ترین مسائلی که در فضای اقتصادی دنیا به‌عنوان یک پیش‌فرض وجود دارد، شفافیت اطلاعات است. دارایی‌ها و اطلاعات مردم، شرکت‌ها، سرمایه‌داران، دولتمردان، فعالان مختلف اقتصادی همه و همه در اختیار دولت‌ها قرار دارد. با این اطلاعات است که دولت‌ها می‌توانند اقتصاد را در کنترل خود داشته باشند. اصل شفافیت نقش کلیدی و بنیادین در پیشگیری از جرایم اقتصادی دارد و درواقع از مصادیق تدابیر پیشگیرانه وضعی و موقعیتی است که سبب می‌گردد تا زمینه‌های ارتکاب جرم از بین رفته و یا کاهش یابند.

## ۲-۴- تقویت سطح بهداشت و امید به زندگی

سطح بهداشت جمعیت کشور اغلب با استفاده از دو شاخص آماری امید به زندگی در بدو تولد و نرخ مرگ‌ومیر در کودکان زیر پنج‌سال نمایش داده می‌شود. از این شاخص‌ها اغلب به مثابه نشانگرهایی برای تعیین سطح کیفی زندگی استفاده می‌شود، چراکه آن‌ها به‌طور غیرمستقیم منعکس‌کننده بسیاری از وجوه رفاه در زندگی همچون سطح درآمد و تغذیه، کیفیت محیط زیست، میزان دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و پزشکی و آب سالم هستند.

آنچه مسلم است، این است که فقدان دسترسی به امکانات بهداشتی و نرخ امید به زندگی پایین نشان‌دهنده فقر و نابرابری در آن جامعه است که خود باعث بروز آسیب‌های اجتماعی و جرم می‌گردد، لذا رابطه بین این دو متغیر به‌نحو غیرمستقیم است، اما در مورد شاخص نرخ باسوادی ارتقای این شاخص می‌تواند اثر منفی بر پیشگیری از جرایم مذکور داشته باشد، زیرا از طرفی در جرم تأمین مالی تروریسم و همچنین تروریسم دسترسی به امکانات آموزشی می‌تواند احتمال ارتکاب چنین جرایمی را افزایش دهد و از سوی دیگر در برخی جرایم ارائه برنامه‌های آموزشی در جهت پیشگیری وضعی از جرایم می‌تواند راهگشا باشد، مانند تجهیز اطلاعاتی کارمندان و کارکنان ادارات و سازمان‌ها در پیشگیری از جرایم رشاء و ارتشا و جعل (اکبرپور، ۱۴۰۱: ۵۶-۳۵).

امید به زندگی در بدو تولد نشان‌دهنده متوسط سال‌هایی است که یک نوزاد به دنیا آمده، عمر خواهد کرد و این عمر مفید باشد. در کنار میزان مرگ‌ومیر، امید به زندگی از شاخص‌های مهم و نه‌تنها متأثر از مؤلفه‌های اجتماعی سلامت، بلکه بیانگر وضعیت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی هر جامعه است. شاخص امید به زندگی به یکی از نشانگرهای نوسانات نابرابری‌های سلامت در جوامع گوناگون تبدیل شده است. سازمان بهداشت جهانی این شاخص را در کنار شاخص‌های درآمد سرانه، تولید ناخالص ملی و میزان باسوادی، مورد سنجش قرار می‌دهد. باتوجه به این‌که این شاخص تابع سلامتی، کیفیت زندگی، امکانات بهداشتی، دسترسی به حداقل‌های زندگی، فقدان اضطراب، آرامش و برخورداری از امنیت اقتصادی و اجتماعی است، می‌توان گفت میان نرخ امید به زندگی و ارتکاب جرایم خشن رابطه معناداری وجود دارد؛ به‌نوعی که رابطه بین این شاخص و قتل عمد و ضرب و جرح شدید یک رابطه معکوس می‌باشد، بدین مفهوم که با افزایش یکی دیگری کاهش می‌یابد و بالعکس.

## ۲-۵- رفع فقر و بیکاری

وجود فقر در جامعه از مهم‌ترین و مؤثرترین عوامل در بروز جرم است. هنگامی که فرد در شرایط نامناسب مالی و به‌تبع آن عدم وجود مسکن برای زندگی و دسترسی به ابتدایی‌ترین

نیازهای انسانی، مانند امکانات بهداشتی قرار گیرد، به‌ناچار فعالیت‌های غیرقانونی را انتخاب می‌کند. «برای مثال در پرونده‌های همسرکشی هم نقش مشکلات اقتصادی مردم بالاست. فشارهای روانی ناشی از تأمین معیشت، روابط زن و مرد را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. مردی که نمی‌تواند معیشت همسر و فرزندانش را تأمین کند حوصله‌ای برای برقراری ارتباط عاطفی با همسرش ندارد و درگیری‌های ایجادشده ممکن است آن‌ها را به سمت ضرب و جرح و حتی قتل سوق دهد» (زارع و زندی لک، ۱۳۹۰: ۱۲۱). مبرهن است که علت ارتکاب جرایم خشونت‌آمیز مانند قتل نمی‌تواند تنها به دلایل اقتصادی باشد، بلکه در بررسی چنین جرایمی باید نقش عوامل زیستی، روان‌شناختی، تربیتی و فرهنگی مجرم را مد نظر قرار داد، ولی با بررسی و مطالعات میدانی بسیاری در این زمینه می‌توان به این موضوع رسید که «فقر اقتصادی و بیکاری مردان زمینه‌ای مناسب برای اعمال خشونت علیه زنان و فرزندان بوده است. بسیاری از زنان به علت فقر، بیکاری و اعتیاد شوهر مورد آزار و آسیب جسمی و روحی واقع شده‌اند» (مهرگان و گرشاسبی فخر، ۱۳۹۰: ۱۲۶-۱۰۹).

بیکاری نیز یکی از عوامل مؤثر در افزایش احتمال ارتکاب جرم است، چراکه وقتی افراد در بازار کار رسمی موقعیت مناسب شغلی برای کسب درآمد پیدا نمی‌کنند، بالطبع احتمال ارتکاب جرم در مورد آن‌ها نسبت به کسانی که در بازار کار رسمی شاغل می‌باشند، افزایش خواهد یافت، لذا یکی از مهم‌ترین عواملی که دولت‌ها باید به آن توجه بیشتری را معطوف دارند، همین مسأله بیکاری است. آن‌ها باید حداقل تلاششان را در جهت ایجاد زمینه فعالیت‌های رسمی به کار گیرند. به این ترتیب علاوه بر بهبود وضعیت کشور از لحاظ اقتصادی، احتمال ارتکاب جرم نیز کاهش یافته، وضعیت اجتماعی جامعه هم به سمت بهبود خواهد رفت و در نتیجه می‌توان گفت رفاه اقتصادی، اجتماعی جامعه افزایش خواهد یافت.

«اشتغال و بیکاری، از موضوعات اساسی اقتصاد در هر کشور است، به گونه‌ای که افزایش اشتغال و کاهش بیکاری به عنوان

یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی جوامع تلقی می‌شود. مردم بدون شغل‌های با کیفیت و ثابت گرایش بیشتری به ارتکاب جرم خواهند داشت. برای مثال، تحلیل سرقت‌ها و کلاه برداری‌های ارتكابی توسط زنان آمریکایی به تمرکز بر نیازهای اقتصادی آنان و خانواده‌هایشان گرایش دارد» (دکسری، ۱۳۹۲: ۱۴۴). «در سایر مناطق جهان نیز این موضوع صادق است؛ تحقیقات انجام‌شده در مناطقی از آفریقا میزان ارتکاب جرم از سوی بیکاران (اعم از زن و مرد) را نشان می‌دهد. طبق یک تحقیق میدانی، ۴۸ درصد از پاسخ دهندگان، بیکار بوده و ۴۵ درصد از آن‌ها درآمدی نداشته‌اند» (Ntuly, 2000: 108). «در این میان، داده‌های موجود در ایران نیز که براساس آن‌ها درصد قابل توجهی از مرتکبان سرقت - به عنوان جرم نخست کشور - را بیکار اعلام نموده است مؤید این مطلب است» (دادگر و نظری، ۱۳۹۵: ۷۸-۵۹). به همین دلیل «لازم است که سیاست‌گذاران جنایی نگاه ویژه‌ای را به بزهکاری ناشی از بیکاری به‌خصوص در میان جوانان معطوف داشته و در زمینه‌های تدابیر کنشی و واکنشی خود تأثیر این مؤلفه را در نظر داشته باشند، چراکه در جامعه‌ای با چنین آمار بیکاری توقع اطاعت از قانون و به هنجارمنشی از سوی بیکاران و حتی خانواده‌های آنان، آنچنان که باید بعید به نظر می‌رسد» (عباسی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۶-۶۵). در ایران باتوجه به این که در مواد ۱۲، ۱۶ و ۲۴ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی موظف شده است در راستای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی به حمایت مادی و معنوی از خانواده‌های بدسرپرست و بی‌سرپرست، کمک به اشخاص کم‌درآمد و بی‌درآمد و برنامه‌ریزی برای اشتغال‌زایی، بهبود شرایط اقتصادی و بهداشتی گروه‌های ویژه مبادرت ورزد، به نظر می‌رسد که به الگوی رفاه نزدیک‌تر باشد. همچنین در این زمینه در ماده ۵۰ قانون برنامه پنجم توسعه به این موضوع توجه و مقرر شد: «به منظور رفع نابرابری‌ها و تبعیض بین بازنشستگان سنوات مختلف براساس ضریب مصوب دولت برای بازنشستگان با تصویب هیأت وزیران مجاز است و نیز دولت مجاز است برنامه بیکاری کارکنان رسمی و پیمانی و افراد طرف قرارداد با دستگاه‌های اجرایی را تصویب و با استفاده از منابع دستگاه‌های اجرایی و دارنده ردیف و منابع حاصل از مشارکت بیمه شدگان را از سال دوم برنامه

اجرا نماید.» در قانون برنامه ششم توسعه نیز موضوع اشتغال جزء موضوعات خاص کلان فرابخشی برنامه تعیین گردیده و تدابیری برای افزایش سطح اشتغال و در مقابل کاهش بیکاری پیش‌بینی شده است، از جمله این که طبق بند «ز» ماده ۴ قانون یادشده در طول سال‌های اجرای قانون برنامه نرخ بیکاری به میزان حداقل هشت‌دهم درصد (۸/۰ درصد) سالانه باید کاهش یابد.<sup>۱</sup>

اندازه‌گیری شاخص فقر به‌عنوان یکی از شاخص‌های سنجش توسعه اقتصادی می‌تواند مانند دیگر شاخص‌های توسعه اقتصادی در پیشگیری از جرایم علیه امنیت مؤثر باشد، مطابق تحقیقات صورت‌گرفته در جرایمی نظیر تروریسم، فقر یکی از عوامل ارتکاب چنین جرایمی می‌باشد، گرچه در ارتکاب چنین جرایمی سهم عوامل دیگر نظیر ترویج تفکرات و عقاید افراطی ایجاد و توسعه مراکز و محافل ترویج تفکرات و عقاید، آموزش، شبکه‌سازی فضای مجازی و رسانه‌ای و دیگر عوامل از این دست بیشتر است، اما نمی‌توان از نقش بسترهای اجتماعی اقتصادی مؤثر در جذب نیرو، فقر فکری، بیکاری، فقر و محرومیت چشم‌پوشی نمود.

«در این خصوص آن‌چه که از اهمیت بالاتری برخوردار است، لزوم توجه به سیاست‌های کلی اشتغال (۱۳۹۰) است که در آن، محورهای اساسی مسأله اشتغال مطرح و راهبردها و خط‌مشی‌هایی برای حل مشکلات این عرصه ارائه شده است. بنابراین ابلاغ این سیاست‌ها حاکی از آن است که اولاً اهداف مورد نظر قوانین برنامه‌های توسعه در زمینه اشتغال و رفع بیکاری تحقق نیافته است و به همین جهت ابلاغ سیاست‌هایی در این خصوص، ضروری انگاشته شده است (عباسی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۶-۶۵)؛ ثانیاً ابلاغ سیاست‌های مذکور،

راهبرد مهمی در قالب نظام کنشی سیاست جنایی ایران است و اشتغال‌زایی و کاهش نرخ بیکاری در کشور را نویدبخش کاهش بزهکاری‌های مرتبط با بیکاری دانست. گفتنی است ارتباط میان شاخص‌های توسعه اقتصادی را نباید به تعبیر جرم‌شناسان مارکسیست در جرم‌های فاقدان قدرت که عمدتاً با آمیزه‌ای از انگیزه‌های اقتصادی و اجتماعی انجام شده و متمرکز بر جرایم معیشتی مانند سرقت از فروشگاه‌ها و دیگر جرایم اجتماعی و فرهنگی مانند ایراد ضرب و جرح محدود کرد، بلکه شرایط و ساختارهای طبقاتی و نظام اقتصادی و سیاسی ارتباط تنگانی با جرم‌های صاحبان قدرت که هم با نوعی تمایل شخصی برای افزایش ثروت پیوند می‌خورد و هم با نوعی الزام ساختاری که افراد را به سهیم‌شدن در رقابت‌های اقتصادی و همه‌جانبه موجود وامی‌دارد، لذا همسو با تحولات توسعه‌ای جوامع، نوع و ماهیت جرایم ارتكابی این دو طبقه نیز تحول‌پذیر بوده و توجه به آن‌ها ضروری است» (امینی، ۱۳۹۹: ۸۷). توسعه انسانی با تمرکز بر اقدام‌های ناظر بر آموزش و پرورش، اشتغال‌زایی، فقرزدایی، تهیه مسکن برای شهروندان، ایجاد رفاه اجتماعی و اقتصادی که نقش مؤثری در فرآیند شکل‌گیری شخصیت افراد ایفا می‌نمایند، دزر پیشگیری جامعه‌مدار تأثیرگذار است.

## ۲-۶- ثبات اقتصادی و رفاه اجتماعی

نرخ تورم به‌عنوان متغیر توضیحی دارای ارتباط بالایی با متغیر وابسته جرم سرقت است. روابط میان متغیرهای نرخ تورم با جرایم اقتصادی مثبت گزارش شده است، به‌گونه‌ای که روابط کوتاه‌مدت میان متغیر توضیحی و متغیر وابسته جرایم در مورد سرقت معنادار به‌دست آمده است، تحلیل کوتاه‌مدت رابطه میان متغیر توضیحی نرخ تورم با متغیر وابسته سرقت حاکی از آن است که اگر نرخ تورم افزایش یابد میزان سرقت در کوتاه‌مدت به اندازه یک‌ونیم برابر افزایش می‌یابد (ابراهیمی و چاکرزی، ۱۳۹۴: ۱۲۷-۱۱۳). به‌نحو اجمالی باید گفت متغیر اقتصادی معرفی‌شده به‌عنوان شاخص‌های سنجش توسعه‌یافتگی اقتصادی با عنوان نرخ تورم اثر معناداری بر ارتکاب جرم مد نظر، یعنی سرقت داشته است، «زیرا تورم از درآمدها و قدرت خرید می‌کاهد و صاحبان درآمدهای ثابت و

<sup>۱</sup> - طبق بند «ز» ماده ۴ قانون برنامه ششم توسعه «دولت مکلف است به‌منظور نیل به رشد و توسعه اقتصادی بر پایه عدالت نسبت به اعمال سیاست‌های اشتغال‌زایی مهارت‌افزایی و ارتقای دانش حرفه‌ای و حمایت از مشاغل کوچک خانگی و دانش‌بنیان مبتنی بر سند ملی کار شایسته که حداکثر تا پایان سال اول اجرای قانون برنامه با پیشنهاد وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، اتاق تعاون و سازمان به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید، اقدام نماید، سند مزبور باید مبتنی بر کاهش نرخ بیکاری به میزان حداقل هشت‌دهم درصد (۸/۰ درصد) سالانه در طول سال‌های اجرای قانون برنامه باشد.»

همه کسانی که نمی‌توانند درآمدهای خود را به نسبت افزایش تورم بالا ببرند، آسیب خواهند دید» (تفضلی، ۱۳۹۳: ۵۶).

دولت‌های کشورهای مختلف اعم از توسعه‌یافته و درحال توسعه بهبود و توزیع درآمد و کمک به اقشار محروم را همواره در صدر اهداف، اولویت‌ها و سیاست‌گذاری‌های خود قرار داده و با این منظور به مداخله در اقتصاد پرداخته‌اند. براساس اصل ۴۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یک ماده واحد تصویب شد که بیان می‌دارد: «به میزان سه درصد از اعتبارات بودجه عمومی دولت باید به محرومیت‌زدایی اختصاص یابد.» علاوه بر این، براساس این قانون سه درصد از درآمد سالانه حاصل از صادرات نفت و گاز نیز باید به محرومیت‌زدایی تخصیص داده شود. درخصوص رفع محرومیت و ایجاد رفاه اجتماعی برنامه‌ریزی‌ها باید مدون و علم‌بانی باشد. از این رو ایجاد سامانه‌های اطلاعات و داده‌ها مورد نیاز است. بر همین اساس باید دو سامانه مهم و مؤثر در امر شناسایی مناطق محروم و رفع محرومیت‌ها از طریق تخصیص بودجه به مناطق مشخص ایجاد شود: ۱- پایگاه اطلاعاتی رفاهی ایرانیان یارانه‌ها؛ ۲- پایگاه اطلاعات بهره‌مندی ایرانیان زیرساخت‌ها.

## ۲-۷- مشارکت مردم

«باتوجه به آن‌که تحقق اهداف توسعه جز با مشارکت بهره‌مندان آن، یعنی مردم حاصل نمی‌آید و از آنجا که از آثار ارتقای سطح سرمایه اجتماعی نظارت همگانی شهروندان بر امورات جاری جامعه خود است، سیاست جنایی مشارکتی، نوعی مشارکت در سیاست‌های توسعه‌ای است» (وایت و فیونا، ۱۳۹۲: ۲۲). این موضوع در قوانین برنامه توسعه به طرز چشم‌گیری مورد توجه قرار گرفته است، به گونه‌ای که در بند «ط» ماده ۱۱۹ قانون برنامه چهارم توسعه دولت موظف به تهیه سازوکارهای لازم جهت توسعه مشارکت مردمی برای تأمین نظم و امنیت عمومی شد. همچنین طبق بند «ه» ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنجم توسعه «همه دستگاه‌های اجرایی مکلف گردیدند در چهارچوب وظایف خود همکاری لازم را با قوه قضاییه در اجرای برنامه‌های پیشگیری از وقوع جرم، معمول دارند.» این تدابیر را می‌توان جلوه‌هایی از

سیاست جنایی مشارکتی دانست. در جزء ۳ بند «الف» ماده ۸۰ قانون برنامه ششم توسعه نیز به‌عنوان یکی از محورهای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی دولت موظف به تدوین سالانه اطلس آسیب‌های اجتماعی و سرمایه اجتماعی براساس شاخص‌های سلامت اجتماعی در کشور توسط سازمان امور اجتماعی و ارائه آن به مراجع ذی‌ربط گردیده است. بنابراین از دیدگاه برنامه‌ریزان، تقویت سرمایه اجتماعی منجر به کاهش آسیب‌های اجتماعی خواهد شد و کاهش آسیب‌های اجتماعی، نیز می‌تواند زمینه‌ساز پیشگیری از بزهکاری تلقی شود.

براساس آنچه گفته شد، «سرمایه اجتماعی نقش حیاتی را در توسعه کشور از طرق مختلف مانند پیشگیری از رفتارهای بزهکارانه دارد و انتظار می‌رود تحت چنین شرایطی وجود سرمایه اجتماعی نقش حیاتی را در پیشگیری از ارتکاب جرم بازی کند و در نتیجه باعث پیشرفت و رشد اقتصادی شود. این درحالی است که طبق یک پژوهش ملی در زمینه سنجش سرمایه اجتماعی در ایران در یک جامعه آماری افراد ۱۵ سال به بالای خانوارهای معمولی ساکن در مراکز ۳۰ استان کشور در بهار ۱۳۸۵ سرمایه اجتماعی در ایران در وضعیت مناسبی به سر نمی‌برد» (عبداللهی و موسوی، ۱۳۸۶: ۱۹۹). بدین ترتیب لازم است سیاست‌گذاران اجتماعی و در کنار آن‌ها سیاست‌گذاران جنایی و توسعه‌ای با درک جایگاه و تأثیر سرمایه اجتماعی بر ارتقای سطح آن توجه ویژه داشته و برنامه‌ها و راهبردهای ویژه‌ای خود را در این زمینه تدوین و طراحی نمایند که این خود می‌تواند اهداف دیگری را نیز برآورده ساخته و از همه مهم‌تر با نظارت اجتماعی و مشارکت مردم به پیشگیری از جرم نیز نائل آید.

## ۲-۸- تقویت فرهنگ قانون‌مداری

معمولاً از فرهنگ قانون‌مداری به‌عنوان شاخص‌هایی از سبک زندگی یاد می‌شود، ولی در اینجا به‌دلیل اهمیت موضوع به عنوان بحثی مستقل در ذیل تدابیر کنشی مبتنی بر توسعه فرهنگی مورد اشاره قرار می‌گیرد. فرهنگ قانون‌مداری را می‌توان دارای دو بعد نفی فرهنگ قانون‌گریزی و فرهنگ قانون‌ستیزی دانست. در فرهنگ قانون‌گریزی افراد تنها از

آسیب می‌رساند» (فوکویاما، ۱۳۹۰: ۳۷-۱۵). «بر این اساس، اولین اصل در فرهنگ عمومی و سبک زندگی ناشی از توسعه یافتگی قانون‌گرایی است و مهم‌ترین وجه توسعه‌یافتگی در سبک زندگی رعایت قاعده و قانون در جامعه است» (مداح و خیرخواهان، ۱۳۹۳: ۱۷). به‌رغم این موضوع، به اعتقاد برخی از جامعه‌شناسان توسعه، به دلایل بسیار پیچیده روانی، تاریخی و اجتماعی میانگین ایرانی‌ها علاقمند به قاعده نیستند و در مقابل علاقه به رسیدن به منافع خود با هر روش ممکن دارند، درحالی‌که در جوامع توسعه‌یافته، قانون توسعه یافتگی، قانون‌گرایی است.

«بانک جهانی براساس گزارش سال ۲۰۰۵ اداره جرم و مواد مخدر سازمان ملل درخصوص جرم و توسعه در آفریقا اعلام نموده است که کمک‌های خارجی برای توسعه در آفریقا آنچنان مؤثر نیست و تنها حاکمیت خوب می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد» (United Nations, 2005: 89)، بدین ترتیب سیاست جنایی خوب، که بتواند جرم و خشونت و فساد را کاهش و یا از بین ببرد، از مؤلفه‌های حکمرانی خوب بوده و به توسعه کمک شایانی خواهد نمود.

### نتیجه‌گیری

در جرایم علیه اموال به‌ویژه سرقت درجه تأثیر بیکاری، نابرابری و تورم تقریباً برابر و بیشتر از دیگر شاخص‌های توسعه می‌باشد. در جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی نیز دستیابی به توسعه اقتصادی می‌تواند با درجه تأثیر کمتری نسبت به دیگر انواع جرایم مؤثر باشد، به‌نحوی که شاخص نابرابری درآمدی در وقوع جرایم رشاء و ارتشا مؤثر می‌باشد. نکته قابل توجه در مورد شاخص‌های توسعه انسانی این است که ارتقای این شاخص تقریباً در کاهش و پیشگیری از ارتکاب انواع جرایم مؤثر است، به‌نحوی که دسترسی به امکانات آموزشی به‌عنوان مهم‌ترین و بارزترین شاخص توسعه انسانی با ارتقای سطح فرهنگ جامعه و دستیابی به تعالی و تربیت و رشد شخصیتی افراد از مهم‌ترین و مؤثرترین شاخص‌ها بر هدف مذکور می‌باشد. نکته شایان ذکر در مورد این شاخص، این است که شفافیت در فضای اقتصاد جوامع به‌عنوان یکی از شاخص‌های توسعه انسانی تأثیر مستقیم و

اطاعت قانون اجتناب می‌ورزند، ولی در فرهنگ قانون‌ستیزی افراد به ستیز و جنگ با حاکمیت قانون می‌پردازند. حال اگر بخواهیم فرهنگ قانون‌مداری را به‌عنوان تدبیری کنشی مبتنی بر توسعه فرهنگی قلمداد نماییم، باید گفت که بسیاری از جرایم و انحرافات در جامعه ناشی از ترویج، گسترش و نهادینه‌شدن فرهنگ و سبک زندگی قانون‌گریز و قانون‌ستیز است که نمادهایی از آن را می‌توان در فرهنگ رانندگی کشور مشاهده نمود.

«فرهنگ قانون‌مداری با مفهوم حاکمیت قانون شناخته می‌شود؛ حاکمیت قانون به‌عنوان مفهومی فوق‌العاده مهم که نه تعریف شده و نه به آسانی قابل تعریف است، توصیف شده است که این امر به‌دلیل تنوع عناصر و مؤلفه‌های تشکیل دهنده این مفهوم است که بسته به نظرگاه‌های مختلف تغییر می‌کند» (مرکز مالگیری، ۱۳۸۵: ۱۹). «به‌موجب نظریه حاکمیت قانون کلیه اعمال باید باتوجه به قوانین و مقررات صورت گرفته و اعمال قانون و ضمانت اجرای تخلف از آن باید توسط مقامات صلاحیت‌دار صورت پذیرد؛ صلاحیتی که توسط حقوق به‌وجود آمده و حد و مرزش مشخص گردیده است» (اکرمی، ۱۳۸۵: ۴).

«حاکمیت قانون با نظم‌بخشی به رفتارهای افراد و نهادها و با ایجاد فضایی امن، زمینه پیشبرد برنامه‌های توسعه‌ای را فراهم می‌آورد. بررسی آثار پیوند حقوق و توسعه نیز حاکی از آن است که امروزه توسعه بیش از هر چیز نیازمند حاکمیت قانون است، بنا بر گزارش بانک، جهانی حکومت قانون شرط اساسی توسعه پایدار و فقرزدایی است نظام‌های حقوقی و قضایی ضعیف از چند منظر در برنامه‌های فقرزدایی ناکام هستند» (مرکز مالگیری، ۱۳۸۵: ۱۸)، به‌طوری‌که «آنها سرمایه را به‌سوی بازارهای دیگر می‌رانند که بر اصول حقوقی و قضایی قابل پیش‌بینی استوار نیست. همچنین بخش‌های بزرگی از جامعه را از به‌کارانداختن دارایی‌های مولد محروم می‌سازند و اعتراض شهروندان را در فرایند تصمیم‌گیری خاموش می‌کنند. اجرای ناکارآمد قانون به نابودی محیط زیست، فساد، پولشویی و دیگر مشکلات می‌انجامد که بر مردمان و اقتصاد در سراسر جهان سنگینی می‌کند و به آنها

جنایی ضروری و مفید فایده است، همان‌گونه که در اسلام نیز بر مشارکت تأکید شده است. برنامه پیشگیری از جرم از طریق مشارکت در صورتی در جامعه قابل طرح و مفید فایده است که زمینه‌های آن از قبل فراهم شده باشد.

**ملاحظات اخلاقی:** در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

**تعارض منافع:** نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

**سهم نویسندگان:** برابر.

**تشکر و قدردانی:** ابراز نشده است.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

#### منابع و مأخذ

##### الف. منابع فارسی

- ابراهیمی، مهرزاد و چاکرزه‌ی، عبدالوهاب (۱۳۹۴). «ارتباط میان نرخ جرم و جنایت با تورم و بیکاری در ایران». فصلنامه علمی پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۴(۲): ۱۱۳-۱۲۷.

- اسماعیلی، آیت‌اله؛ شبیانی‌فر، محمدحسن؛ صدیقی، سیدمحمد و جمشیدی‌راد، محمدصادق (۱۴۰۲). «تحول قضایی و راهبرد پیشگیری وضعی از فساد اقتصادی». مجله مطالعات بین رشته‌ای دانش راهبردی، ۱۳(۵۲): ۱۴۸-۱۲۳.

- اکبرپور، مسلم (۱۴۰۱). «اثر بخشی و نقش آموزش مهارت‌های زندگی در پیشگیری از ارتکاب جرم». نشریه تحقیقات حقوق قضایی، ۳(۵): ۵۶-۳۵.

- اکرمی، خدیجه (۱۳۸۵). «موانع و راهکارهای حاکمیت قانون در ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی استاد فضل‌الله موسوی، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

مؤثری بر پیشگیری از جرایم علیه اموال می‌گذارد، زیرا شفافیت در فضای اقتصادی مانع ایجاد و گسترش فساد مالی و اقتصادی است. توسعه اقتصادی کشور مستلزم درک صحیح از این موضوع است که پیمانکاران بخش خصوصی به واقع همکاران راهبردی دولت در نیل به اهداف کلان هستند. ابهام کنونی در فضای رشد پایدار در کشور، زاییده نبود شفافیت لازم در فهم منافع مشترک و تسری دیدگاه‌های همکاری متقابل است. درک و دید راهبردی از مفاهیم مدیریت ارتباط با مشتریان و مدیریت توسعه منابع انسانی و دولت الکترونیک و تدارکات الکترونیک و پشتیبانی یا تأمین الکترونیک ابزار ضروری در این مسیر به‌شمار می‌آیند. لزوم توجه به مدون سازی برنامه‌های بلندمدت توسعه به‌صورت استاندارد باید در فکر همه برنامه‌سازان و برنامه‌ریزان در گستره ملی نهادینه شود. در راستای پیشگیری از جرایم بالاخص پیشگیری از جرایم علیه امنیت کشور، حمایت از اقشار ضعیف می‌تواند در نرخ وقوع جرایم علیه امنیت مؤثر باشند، زیرا بسیاری از جرایم علیه امنیت ناشی از تبعیض و ضعف در ارائه خدمات فرهنگی و اجتماعی عمومی به شهروندان می‌باشد که می‌توان با مدیریت مناسب آن را از حالت کنونی جرم‌زا خارج نمود، بدین ترتیب حاکمیت قانون، مسؤولیت‌پذیری، توجه به رفاه و آسایش عموم مردم و مبارزه با رانت و فساد می‌تواند در رسیدن به هدف پیشگیری از جرایم علیه امنیت مثمر ثمر باشد. درخصوص معضل بیکاری اصلاح محیط کسب و کار، تمرکز بر صادرات، تولید و نهایتاً افزایش رشد اقتصادی می‌تواند کمک‌کننده باشد. از دیگر اقدامات لازم و حیاتی کاهش نابرابری درآمدی از طریق اتخاذ سیاست‌های مناسب و اصلاح الگوی توزیع درآمدی در کشور است. یکی از لوازم برنامه‌ریزی در دنیای جدید توجه به مشارکت فعال و اثر بخش همه‌جانبه افراد جامعه در تمام ابعاد مختلف توسعه می‌باشد و توجه به مشارکت مردم در سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌های امنیتی کشور نقش اساسی در ایجاد نظم و امنیت اجتماعی دارد. توضیح این‌که سیاست جنایی دولتی بدون اتکا به مشارکت عمومی نمی‌تواند در کاهش آمار بزهکاری و حاکم‌کردن یک برنامه پیشگیری پایدار و توفیق‌چندانی داشته باشد. از این‌رو مشارکت مردم در ابعاد مختلف سیاست

خشن در بین استان‌ها». مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۵(۳): ۹۷-۱۲۵.

- زاهدی، محمدجواد (۱۳۹۳). توسعه و نابرابری در تهران. چاپ نهم، تهران: انتشارات مازیار.

- سالاری، امین‌اله؛ رنجبر، احمد و سراجی، مصطفی (۱۴۰۱). «جایگاه دادرسی شبه‌قضایی در قانون اساسی و سند تحول قضایی». مجله جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۵(۳): ۸۶۶-۸۳۶.

- صادقی، حسین؛ شقاقی شهری، وحید و اصغری‌پور، حسین (۱۳۸۴). «تحلیل عوامل اقتصادی تأثیرگذار بر جرم در ایران». مجله تحقیقات اقتصادی، ۵(۶۸): ۶۳-۹۰.

- عباسی‌نژاد، حسین؛ هادی، رضانی و مینا، صادقی (۱۳۹۱). «بررسی رابطه بین بیکاری و جرم در ایران رهیافت داده‌های تلفیقی بین استانی». فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۲۰(۶۴): ۸۶-۶۵.

- عبداللهی، محمد و موسوی، میرطاهر (۱۳۸۶). «سرمایه اجتماعی وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان‌شناسی گذار». فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی، ۶(۲۵): ۲۳۴-۱۹۳.

- عزیزخانی، فاطمه و پوست‌فروش، ایمان (۱۳۸۷). «مروری بر رابطه فقر و فساد». ماهنامه مجلس و پژوهش، ۱۴(۵۸): ۱۲۴-۱۲۲۱.

- غمامی، سیدمحمد مهدی و عبدالهیان، امید (۱۳۹۸). «تحول نظام قضایی با تأکید بر کارآمدی فرایند صدور آرای قضایی». مجله دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۲۴(۸۵): ۵۴-۲۹.

- فطرس، محمدحسن؛ نعمتی، مرتضی و اکبری شهرستانی، اعظم (۱۳۹۰). «شاخص توسعه انسانی ایران در سال ۲۰۱۰». مجله سیاسی - اقتصادی، ۱۱۵(۲۸۴): ۱۲۳-۱۱۰.

- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۹۰). «بنیادهای حکومت قانون». ترجمه آرش عزیزی، ماهنامه مهرنامه، ۲(۱۰): ۳۷-۱۵.

- قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۴). «اعتماد و نظم اجتماعی». فصلنامه مطالعات راهبردی، ۸(۱): ۴۸-۲۹.

- امینی، سیدجواد (۱۳۹۹). «تعیین و اولویت‌بندی عوامل مؤثر در شکل‌گیری و فعالیت تروریسم تکفیری در جمهوری اسلامی ایران». فصلنامه مطالعات دفاعی/استراتژیک، ۱۸(۷۹): ۲۳۱-۲۵۲.

- آل عمران، رویا (۱۳۹۴). «ارزیابی اثر توزیع درآمد، تورم و نرخ باسواد بر میزان سرقت در ایران». نشریه پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، ۴(۲): ۱۴-۱.

- تاجی، حسین و بولاغ، محمود (۱۳۹۹). «رابطه شفافیت اقتصادی و پیشگیری از جرایم مالیاتی». مجله فقه، حقوق و علوم جزا، ۵(۱۸): ۶۴-۵۴.

- تفضلی، فریدون (۱۳۹۳). اقتصاد کلان. چاپ بیستم، تهران: نشر نی.

- جلالی فراهانی، امیرحسین (۱۳۹۰). چکیده سخنرانی‌های همایش آمار جنایی. چاپ اول، تهران: اداره آمار و پردازش اطلاعات مرکز مطالعات اجتماعی و جرم‌شناسی قوه قضاییه.

- جلالی، محسن (۱۳۸۵). «تجزیه ضریب جینی و کشش درآمدی آن در ایران». نشریه روند، ۱۶(۴۸): ۴۲-۲۵.

- چلبی، مسعود (۱۳۸۹). «تحلیل نظری منشأ و ارتباط هنجارهای اجتماعی و نابرابری‌ها». فصلنامه تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری، ۴(۵۹): ۲۶-۱.

- چلبی، مسعود و مبارکی، محمد (۱۳۸۴). «تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم». مجله جامعه‌شناسی ایران، ۶(۲): ۳-۴۴.

- دادگر، یداله و نظری، روح‌اله (۱۳۹۵). «بررسی جرم و جنایت در ایران با استفاده از چند الگوی اقتصادی». فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۱۹(۷۳): ۷۸-۵۹.

- دکسری، والتر اس (۱۳۹۲). جرم‌شناسی انتقادی معاصر. ترجمه مهرداد رایجیان اصلی و حمیدرضا دانش ناری، چاپ اول، تهران: انتشارات دادگستر.

- زارع، بیژن و زندی لک، علی‌اکبر (۱۳۹۰). «مطالعه رابطه سطح توسعه یافتگی اقتصادی - اجتماعی با میزان جرایم

- محمدنسل، غلامرضا (۱۳۹۱). راهنمای کارگاه علمی - کاربردی مدیریت پیشگیری از وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعی. چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.

- محمدی، شهرام؛ بیژنی میرزا، طیبه و حاتمی، مهدی (۱۳۹۷). «نقش خانواده، مدرسه و رسانه در پیشگیری از وقوع جرم با تأکید بر معیارهای بین‌المللی حاکم بر تعهد دولت‌ها در آموزش افراد». مجله تدریس‌پژوهی، ۶(۴): ۲۵۴-۲۳۳.

- مداح، مجید و ابراهیم، خیرخواهان (۱۳۹۳). «بررسی عوامل مؤثر بر ارتکاب جرم در بین مجرمان سرقت و مواد مخدر». فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، ۹(۴): ۲۶-۹.

- مرکز مالگیری، احمد (۱۳۸۵). حاکمیت قانون - مفاهیم میانی و برداشت‌ها. چاپ دوم، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

- مهرگان، نادر و گرشاسبی فخر، سعید (۱۳۹۰). «نابرابری درآمد و جرم در ایران». فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، ۱۱(۴): ۱۲۶-۱۰۹.

- وایت، رابرت داگلاس و فیونا، هینز (۱۳۹۲). جرم و جرم‌شناسی (متن درسی نظریه‌های جرم و کج‌روی). ترجمه علی سلیمی و محسن کارخانه، چاپ ششم، قم: نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

#### ب. منابع انگلیسی

- Ntuly, T. G (2000). "Impact of Crime on social-economic development at Somopho". Available on: [www.krepublishers.com](http://www.krepublishers.com).

- United Nations (2005). *Drugs and Crime*. Annual report Office on Drugs and Crime United Nations.